



## چکیده:

موضوع مورد تحقیق « بررسی عوامل پیش بینی کننده مدرسه گریزی دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان سنندج در سال تحصیلی 90-91 » می باشد.

برای انجام پژوهش حاضر پس از تصویب موضوع تحقیق به مطالعه کتب تخصصی، مجلات علمی، پژوهشی و منابع کتابخانه ای اقدام گردید. روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی می باشد. از نظر هدف جزء تحقیقات توسعه ای - کاربردی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل: دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی ناحیه یک شهرستان سنندج و با جمعیت (2161) نفر می باشد. از این تعداد نمونه آماری 90 نفر به عنوان دانش آموزان مدرسه گریز شناسایی شدند و برای گردآوری داده ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه در دو بخش عمومی و اختصاصی اجرا شد.

در نتیجه تحقیق در فرضیه اول ( بین رفتار ناسازگاری منشی، سببی و طبیعی ) بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در نتیجه تحقیق در فرضیه دوم بین آشفتگیهای خانواده و شیوه فرزند پروی والدین بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. اما بین دو گروه دیگر متغیرهای پیش بینی کننده ( شرایط نامساعد خانواده ) یعنی مشکلات اقتصادی خانواده و پایین بودن سواد والدین بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه معنی داری وجود ندارد. در فرضیه سوم بین متغیرهای پیش بینی کننده ی ( شرایط نامساعد محیط اجتماعی و فقدان مهارت اجتماعی ) بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

همچنین در فرضیه چهارم بین دو متغیر پیش بینی کننده ی ( شرایط نامساعد محیط آموزشی ) بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد. اما بین سه گروه دیگر متغیرهای پیش بینی کننده ( محیط نامساعد مدرسه و فضای آموزشی ) یعنی عدم وجود مدیریت اثربخش ، عدم وجود معلمان اثربخش و عدم وجود نظم و انضباط بر حسب متغیر ملاک ( مدرسه گریزی ) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدرسه گریزی - مقطع راهنمایی - سنندج

## مقدمه

اصطلاح «مدرسه‌گریزی» پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم متداول شد. در آن هنگام، اصطلاح مزبور احتمالاً تمام اشکال غیبت بدون اجازه از مدرسه را شامل می‌شد، تنها در این اواخر بود که کار بررسی غیبت، در اشکال گوناگون و محتمل آن بتدریج آغاز شد. این امر بدان علت

است که غیبت از مدرسه نشانه هایی از یک اختلال است که نمی توان آن در خانواده پنهان نگه داشت و از انظار مخفی کرد. (سلطانی فر، 1370)

برای بارور شدن نهال تعلیم و تربیت، ملاحظه و مراعات کیفیت شخصیت ها در درجه اول اهمیت قرار دارد. افراد همان طور که از لحاظ محیط هایی که در آن پرورش می یابند با یکدیگر فرق دارند، در موهبتها و استعدادها و لیاقت ها نیز با یکدیگر متفاوتند. شکی نیست که این تفاوت ها ناشی از حکمت الهی است. زیرا همین تفاوتها انسان را به سوی تکامل سوق می دهد.

معلمی که بدون توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان برایشان تکلیف تعیین می کند و از همه انتظارات یکسان دارد، معلم موفقی نیست. چنین معلمی دیر یا زود در امر تعلیم با مشکل روبه رو می شود. زیرا تعدادی از دانش آموزان نمی توانند انتظارات او را برآورده کنند و این جاست که معلم به تنبیه بدنی و یا غیربدنی روی می آورد و البته تنبیه بدنی غالباً سازنده نیست. بلکه به عنوان یک عامل بازدارنده محسوب می شود. دانش آموز ممکن است از ترس تنبیه ظاهراً از کاری دست بردارد اما عادت او از بین نمی رود، در نهایت رعایت نکردن عوامل فوق توسط مدیر و معلمان زمینه مدرسه گریزی دانش آموزان را فراهم می سازد.

حضرت علی(ع) می فرماید: زیاده روی در ملامت و سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می کند. این قبیل تنبیهات شخصیت کودک را در هم می کوید و اسباب ترس و اضطراب وی را فراهم می کند. برای جلوگیری از رفتار ناشایست دانش آموزان، معلم باید با اشاره موارد منفی در رفتار آن ها را تذکر دهد. چرا که آشکارگویی پرده هیبت و ابهت معلم را دریده و موجب جرأت و شهامت شاگرد می شود و با لجبازی کردن سعی در تکرار عمل می نماید. حضرت علی(ع) فرمود: با مخاطب خویش پسندیده سخن گوئید تا او نیز با شما با احترام جواب گوید.

همچنین نیاز آدمی به تحسین و تشویق از تمایلات فطری است و تا پایان عمر با آدمی می ماند. شاید بعضی معتقد باشند که یک دانش آموز گستاخ و تنبل موردی برای تشویق ندارد. در صورتی که این طور نیست و معلم باید با صبر و حوصله ای که به خرج می دهد، رفتارهای نادرست دانش آموز را ندیده بگیرد و در عوض به دنبال کوچک ترین و کم اهمیت ترین مورد برای تشویق باشد. و از این طریق علاقه، و انگیزه دانش آموزان را به درس و مدرسه و معلم بیشتر نماید به نحوی که دانش آموز در مدرسه احساس خشنودی و رضایت و تعلق به مدرسه را داشته باشد.

## 1-1 بیان مسأله پژوهش

فرار از مدرسه حالتی است که نوجوان سالم بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری کند و غیبت او غیرقانونی یا غیر موجه شناخته شود. فرار از مدرسه بیشتر در نوجوانان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپات ها، حالات اضطراب و نظایر آن دیده می شود. در این حالت نوجوان از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود. پدر و مادر از غیبت فرزند از مدرسه اطلاعی ندارند، یعنی در حقیقت نوجوان از مدرسه و منزل هر دو فرار می کند. این گونه دانش آموزان با این عمل مقررات مدرسه را زیر پا می گذارند و از قوانین متداول اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی پیروی نمی کنند. اکثر آنها پس از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خودشان به عیاشی، دزدی و رفتارهای سایکوپاتیک می پردازند و یا این که بدون هدف معین در خیابان ها پرسه می زنند. (فاضل، 1389)

مهم ترین عامل در فرار و بیزاری از مدرسه، عدم درک نیازهای اساسی بچه ها در خانه و مدرسه می باشد. مدرسه ناکام کننده و خانواده سرکوب کننده از آن جمله اند. روابط دیکتاتوری یا سهل انگاری در مدرسه و خانه منجر به آسیب هایی در سطح جامعه می شود. آسیبهایی چون دختران فراری، پسران بزهکار و ...

مدیران مدارس می توانند از طریق همکاری و ارتباط نزدیک با معلمان و دادن رهنمودهای لازم به آنان در مورد شیوه های صحیح تدریس و اداره کلاس و فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم برای مدرسه و ایجاد یک محیط و فضای شاد و رضایت بخش برای دانش آموزان تلاش نمایند. آنها، وظیفه سازمان دادن و هماهنگ نمودن همه فعالیت های مدرسه را بر عهده دارند. بنابراین مدیران مدارس زیربنایی ترین گام را در ایجاد یک مدرسه مطلوب و کارآمد برعهده دارند. مدیران آموزشی باید در محیط مدرسه شرایطی را به وجود آورند که در آنجا همه کارکنان، معلمان و دانش آموزان احساس تعلق و رضایت نسبت به مدرسه داشته باشند. (میرکمالی، 1379)

این تحقیق در صدد آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل پیش بینی کننده مدرسه گریزی دانش آموزان را شناسایی و مورد بررسی قرار داده و در صدد راهکارهای مؤثر برای حل این عوامل برآید.

## 1-2 اهمیت و ضرورت پژوهش

کودکان و نوجوانان سرمایه های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه آینده است. بنابراین مسائل آنان از جمله مسایلی است که باید به آنها توجه کافی مبذول داشت. لذا توجه جدی به محیط خانواده و مدرسه و جامعه که نقش به سزایی در تکوین شخصیت دانش آموزان دارند ضرورتی انکارناپذیر است. با توجه به اینکه اولین محیطی که کودک با آن در ارتباط است خانواده می باشد، لذا محیط خانواده عامل مؤثر در تکوین و تحول شخصیت کودک است و حکم کانالی را دارد که به وسیله آن کودک با فرهنگ اجتماع خود مأنوس می شود و عادات و عواطفی را در او ایجاد می کند که شخصیت او را تحت تأثیر قرار می دهد.

(احمد پناه، 1389)

تجارب طفل در مدرسه همراه با تجارب او در محیط خانوادگی شکل دهنده شخصیت و منش کودک است. امروزه مساله بزهکاری اطفال و نوجوانان به صورت یکی از حادثترین و پیچیده ترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف انسانی درآمده است، هر چند وقوع جرائم، پدیده ای نوظهور در اجتماع بشری تلقی نمی شود، پیدایش جوامع و ارتکاب جرم با یکدیگر قرین و همزاد بوده اند، اما از آغاز پیدایش جوامع تا به امروز شاید هیچ گاه آدمی تا بدین حد با معضلی به نام «بزهکاری» در جامعه خویش مواجه نبوده است که یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد این انحرافات و مسائل اجتماعی مربوط به بیزاری از مدرسه و مدرسه گریزی می باشد. (مهريار، 1376)

در بسیاری از خانواده ها نیازهای امنیتی، عاطفی، و روحی کودکان و نوجوانان نادیده گرفته می شود، بسیاری از والدین فکر می کنند که وظیفه آنها تنها تأمین احتیاجات مادی کودکانشان می باشد و دیگر این وظیفه مدرسه است که باید فرزندان آنها را تربیت کند. در حالیکه در جامعه ما برنامه مناسبی برای آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان وجود ندارد و یک سیستم آموزش و پرورش غیر فعال در کشور حاکم است که براساس نیازها و علائق دانش آموزان را مورد تعلیم و تربیت قرار نمی دهد.

معلمان شیوه های صحیح یادگیری را به دانش آموزان نمی آموزند. آنان باید مدرسه و کلاس را برای دانش آموزان به محیطی گرم و صمیمی و خوشایند تبدیل سازند به نحوی که بتوانند با اعتماد کافی مسائل و مشکلات خود را با معلمان و مربیان درمیان بگذارند، اما اکثر آنها وقتی که وارد کلاس می شوند و با بحث و سخنرانیهای طولانی بسیاری از دانش آموزان را از درس و مدرسه بیزاری می کنند. همه این عوامل باعث دلزدگی و بیزاری دانش آموز از درس و مدرسه می شود. مشاهده می شود که دانش آموزان در ساعتهایی که می خواهند به مدرسه بروند پر خاشگری و ناسازگاری بیشتری از خود نشان می دهند. در موقعیتی که بیشتر خانواده ها به تربیت فرزندانشان توجهی نداشته باشند و نظام آموزشی هم برنامه مناسبی برای هدایت و شکوفاکردن استعدادها و فرزندان این مرز و بوم را نداشته باشد، پس چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم که نسل آینده نسلی خدمتگزار و مبتکر و خلاق باشد. (گنجی، 1373)

### 1-3 فرضیه های پژوهش

- 1: عوامل ناسازگاری رفتاری در مدرسه گریزی دانش آموزان نقش دارد.
- 2: عوامل شرایط نامساعد محیط خانوادگی در مدرسه گریزی دانش آموزان نقش دارد.
- 3: عوامل شرایط نامساعد محیط اجتماعی در مدرسه گریزی دانش آموزان نقش دارد.

4: عوامل شرایط نامساعد محیط مدرسه و فضای آموزشی در مدرسه گریزی دانش آموزان نقش دارد.

#### 1-4 اهداف پژوهش

1- بررسی نقش عوامل مربوط به ویژگیهای نامناسب شخصیتی و رفتارسازی در مدرسه گریزی دانش آموزان.

2- بررسی نقش عوامل مربوط به شرایط نامساعد محیط خانوادگی در مدرسه گریزی دانش آموزان.

3- بررسی نقش عوامل مربوط به شرایط نامطلوب محیط اجتماعی در مدرسه گریزی دانش آموزان.

4- بررسی نقش عوامل مربوط به شرایط نامساعد محیط آموزشی در مدرسه گریزی دانش آموزان.

#### 1-5 تعاریف نظری اصطلاحات

##### تعریف مدرسه گریزی

طبق تعریف گریز از مدرسه یعنی کودک یا نوجوان به قصد مدرسه رفتن از منزل خارج می شود ولی به جاهای دیگری غیر از مدرسه می رود و گاهی پس از ماندن مختصری در مدرسه بدون هماهنگی با معلمان از آنجا بیرون می رود زیرا محیط مدرسه برای آنها جذابیت ندارد و حضور در مدرسه برایشان آزار دهنده و ناخوشایند می باشد. (سلطانی فر، 1370).

##### تعریف بیزاری از مدرسه

بیزاری از مدرسه یعنی دانش آموز از رفتن به مدرسه ناخرسند و ناراضی می باشد، و حضور در مدرسه برایش آزار دهنده و ناخوشایند می باشد. ممکن است این احساسات نامطلوب دانش آموزان، آنها را به سمت فرار یا گریز از مدرسه بکشاند، یا اگر چنین فرصتی برایش پیش نیامد و مجبور شود در مدرسه بماند، حضورش در مدرسه ممکن است منجر به مشکلات و بیماریهای روحی و روانی شود و ناراضی از حضور در مدرسه را به صورت رفتارهای خشونت آمیز علیه دانش آموزان دیگر و اولیا و معلمان یا به صورت رفتار کناره گیری و انزوا طلبی نشان دهد و دانش آموز نسبت به انجام فعالیتهای مدرسه هیچ انگیزه و علاقه ای نداشته باشد. (طالب زاده، 1390)

##### تعریف مدرسه هراسی

مدرسه هراسی به ترس اغراق آمیز از رفتن به مدرسه گفته می شود و در سنین مختلف دیده می شود، هر دو جنس مبتلامی گردند و احتمالاً دخترها کمی بیشتر از پسرها و در تمام طبقات اجتماعی و با هر توانایی تحصیلی مشاهده می گردد. نخستین نشانه مدرسه هراسی غالباً یک شکایت جسمی مانند دل درد، گلودرد و سردرد است.

کودک معمولاً از مریضی خود آن چنان شکایت می‌کند که از رفتن به مدرسه معذور می‌شود. (جک اچ کان، 1988)

### تفاوت ترس از مدرسه با گریز از مدرسه

کودک مبتلا به ترس از مدرسه با مراقبت شدید مادرانه، اختلال در غذا خوردن، دردهای شکمی، حالت تهوع و مشکلات خواب و علائم بالینی (اضطراب) مشخص می‌گردد، در حالی که نوجوان گریزان از مدرسه با بی‌ثباتی در تعلیم خانواده، دروغ‌گویی دائمی، فرار از خانه معرفی می‌گردد. به طور خلاصه کودکی که ترس یا هراس از مدرسه دارد ظاهراً با عوامل مربوط به ترس و اضطراب به بهترین وجهی مشخص می‌شود، در حالی که نوجوان گریزان از مدرسه با رفتار بزهکارانه تعریف می‌گردد. نکته آخر این که دانش‌آموزان مبتلا به ترس از مدرسه ممکن است از نظر پیشرفت تحصیلی ضعیف نباشد و حال آنکه نوجوانان گریزان از مدرسه معمولاً شاگردانی ضعیف هستند. (نائینیان و همکاران 1378)

### 1-6 تعاریف کاربردی اصطلاحات

#### تعریف ناسازگاری رفتاری

گاهی به دانش‌آموزانی ناسازگار گفته می‌شود که اختلالات، کاستیهای استعدادی، ضعف کارایی عمومی او همچنین اشکالات منشی وی، سبب می‌شود که در حاشیه یا در ستیزه مداوم با واقعیتها یا تقاضاهای پیرامونی متناسب با سن و ریشه اجتماعی مربوطه قرار گیرد. گاهی نیز به دانش‌آموزانی اطلاق می‌شود که استعدادها و کارایی او کافی بوده، منش او طبیعی ولی از محیطی رنج می‌برد که با نیازهای بدنی، عاطفی، فکری و معنوی او مطابقت ندارد. زمانی ناسازگاری کودک طبیعی گفته می‌شود که اودر موقعیتی قرار گیرد که تقاضاهای جدیدی از او انتظار رود و پاسخگویی به آن تقاضاها به تلاش نه چندان آسان دانش‌آموز نیاز دارد. مانند ورود به مدرسه برای کودک یک حادثه است. کودک با جدایی از خانواده تبدیل به دانش‌آموز می‌گردد. (لافون، 1950)

#### تعریف فرزند پروری

منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند، که می‌تواند در رشد و تکامل فرد در دوران کودکی و خصایص بعدی شخصیت وی تأثیر فراوان و عمیقی داشته باشد. که با توجه به دو بعد کنترل و مهر ورزی والدین می‌توانند سه شیوه فرزند پروری سهل‌انگارانه، دیکتاتورانه و یا مقتدرانه یا دموکراتیک داشته باشند. اگر در شیوه تربیتی فرزندان از کنترل و مهرورزی در حد افراط و تفریط استفاده شود، از دو شیوه سهل‌انگارانه و دیکتاتورانه استفاده می‌شود.



اما اگر در کنترل و مهرورزی کودکان و نوجوانان حد تعادل رعایت شود، از شیوه تربیتی مقتدرانه یا دموکراتیک استفاده می شود. (شعاری نژاد، 1376)

#### تعریف مهارت‌های اجتماعی

مهارت های اجتماعی، مجموعه رفتارهایی است اکتسابی که از طریق مشاهده، مدل سازی، تمرین و بازخورد آموخته می شود و رفتارهای کلامی و غیر کلامی را در بر می گیرند و پاسخ های مناسب و مؤثر را در بر دارند، بیشتر جنبه تعاملی داشته، تقویت اجتماعی را به حداکثر می رسانند و بر اساس ویژگیها و محیطی که فرد در آن واقع شده است، توسعه می یابند و از طریق آموزش رشد می کند. (میچلسون 1983 )

#### تعریف مدارس اثربخش

مدرسه پیشرو یا اثربخش، مدرسه‌ای است که در آن نقش مدیر، ساختار مدرسه، کارکردها و اصول و مبانی حاکم بر آن به شکل نوینی تعریف و بازسازی شده است. چنین مدرسه ای می‌تواند کارکرد خود را با توجه به نیازهای روز، جامعه و کودکان تغییر دهد و آن را ارزیابی کند. آنچه مدرسه اثر بخش را از مدارس سنتی متمایز می‌سازد، تفاوت در ساختار و کارکردهای مدرسه است. در مدارس فعلی به تفکر همگرا بیشتر توجه می شود در حالیکه در مدارس اثربخش تأکید بر تفکر واگراست. تفکر همگرا به دنبال ارائه بهترین پاسخ یا پاسخهای مشخص به یک موضوع یا مسئله است در حالی که تفکر واگرا در جستجوی پاسخ های متفاوت، شگفت انگیز، ناب و حتی راه حل‌های غیر ممکن می گردد.



بخش اول: پیشینه نظری

مقدمه

بافت جامعه‌ی ایران، جامعه‌ی جوان است، و از این رو شناسایی مشکلات مربوط به آن ضروری احساس می‌شود؛ چرا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌هایی است سالم همراه با بهداشت روانی و جسمانی؛ حساسیت لازم نسبت به این موضوع، یقیناً در سرنوشت آنان تأثیری به سزا خواهد داشت. در این راستا، سعی بر آن شد که نخست به پیش‌بینی علل مؤثر پدیده‌ی مدرسه‌گریزی تحت عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده پرداخته شود. در روان‌شناسی، این علل را تحت عنوان عوامل ریسک رفتاری می‌شناسند که باعث بروز متغیر ملاک یا پیش‌بینی مدرسه‌گریزی می‌گردد. سپس برای دست‌یابی به این متغیرها سعی شده است تا نمونه‌ها از جامعه‌ی دانش‌آموزی انتخاب شود و پدیده‌ی مدرسه‌گریزی مورد بررسی گیرد. در این بخش از تحقیق ابتدا عوامل مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان از دیدگاه نظریه پردازان بررسی می‌شود و سپس به راهکارها و پیشنهادهایی که این نظریه پردازان برای مسئله مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان ارائه داده‌اند می‌پردازیم.

در این فصل به تفصیل ویژگیهای شخصیتی و رفتار ناسازگاری، ویژگیهای نامساعد خانوادگی، شرایط نامساعد اجتماعی و شرایط نامساعد محیط مدرسه به عنوان علل مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## 2-1 عوامل ناسازگاری رفتاری مؤثر بر مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان

الف) ناسازگاری منشی (فردی) (Characteriell)

ب) ناسازگاری سببی (خانواده، مدرسه و جامعه) (Relative)

ج) ناسازگاری طبیعی (Normal)

## 2-1-1 الف- ناسازگاری منشی (دلایل فردی ناسازگاری)

دانیل لاگاش "به صورت زیر این ناسازگاری را تعریف می‌کند: به کودکی ناسازگار گفته می‌شود که در نتیجه ناکافی بودن استعدادها یا نقایص منشی او، وی را در سبزه‌ی مداوم با واقعیتها و تقاضاهای پیرامون متناسب

1.Characteriell منشی

2.Relative سببی

طبیعی Normal.

با سن و محیط اجتماعی کودک قرار دهد. براین مبنا، "بوتونیه" سه گروه از ناسازگاری منشی را تشخیص می‌دهد.

1) کودکان دارای نارسایی جسمی: بیماری، دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و...

2) کودکان دارای اختلالات روانی: مدرسه‌گریزی، بیش‌فعالی و کمبود توجه، رفتار لجبازی و نافرمانی، اضطراب

و...

3) کودکان دارای اختلالات عاطفی (پرهیجانی، تحریک پذیری کم)، اختلالات مربوط به اراده (بی تفاوتی، بی ثباتی، افسردگی، اختلال سلوک، پرخاشگری، گوشه گیری و انزواطلبی) را تشخیص داد.

کودکان ناسازگار به شکلهای مختلفی رفتارهای ناسازگارانه را از خود بروز می دهند که عبارتند از: عصیان بر هر نوع اقتدار یا حتی در برابر هر نوع نصیحت به شکل عصیان آشکار یا مقاومت منفعل، رد هر نوع تلاش، مخالفت، اقتدارگرایی ظالمانه بر علیه خانواده یا دوستان (رفتار استبدادی، رهبری گروههای نوجوانان و جوانان بزهکار) یا برعکس ترس ناگهانی در برابر کوچکترین سرزنش، اطاعت گسترده و نامحدود از افراد قویتر، وابستگی، تلقین پذیری، پنهان کاری در روابط اجتماعی، خجالتی بودن، خاموش بودن. (بوتینه، 1955)

## 2-1-1-1-2 علل زیستی، نارسایی های جسمی دانش آموزان: (بیماری، دانش آموزان کم توان ذهنی و ...)

دانش آموزانی که دارای بنیه ضعیفی هستند و از سلامت عمومی کامل برخوردار نیستند نمی توانند به اندازه کافی کوشش و فعالیت داشته باشند. می توان مشکلات جسمی را به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، مشکلاتی است که به دلیل حالت فیزیکی جسمی، فرد را در یادگیری دچار مشکل می کند. به عنوان مثال دانش آموزی که چشمش به خوبی تابلو را تشخیص نمی دهد یا دانش آموزی که گوشش به خوبی مطالب را نمی شنود و یا یادگیرنده ای که به خاطر ضعف جسمی قادر نیست مدت زمان کلاس را با آرامش بگذراند. چنین افرادی حتی با بهره هوشی کافی در یادگیری و کسب مهارت ها قادر نیستند از استعداد واقعی خود بهره بگیرند. دسته دوم مشکلات جسمی، حالت روانی و عاطفی ایجاد کرده و مانع ابراز وجود شخص یادگیرنده می شوند. به همین دلیل او قادر نیست از استعداد واقعی خود بهره برده و آن را آشکار سازد. این احتمال نیز وجود دارد که در مدرسه حوصله اش سر می رود چون یا خیلی باهوش است و آموزشی کافی نمی بیند یا آن که در یادگیری برخی مفاهیم درسی دچار مشکل می شود و نیاز به تمرین و تکرار بیشتری در محیط خانه دارد. این نوع دانش آموزان به علت خوب درک نکردن درسها دچار افت تحصیلی می شوند و در نتیجه افت تحصیلی زمینه رفتارهای ناسازگاری و نهایتاً فرار از مدرسه را به وجود می آورد. (صبور، 1380)

کند ذهنی دانش آموزان می تواند عاملی برای ناسازگاری آنها محسوب شود. به طور طبیعی، کودکی که توانایی ذهنی پایینی دارد، علاقه مندی خاصی به آموزش کلاسیک ندارد؛ چون توانایی یادگیری شان پایین است و اگر تحت فشار آموزشی قرار بگیرند، احساس خوشایندی نخواهد داشت و ممکن است رفتارهای ناسازگارانه از خود نشان دهد، از سوی دیگر، به دلیل تجربه شکستی که در این محیط داشته، ممکن است به سمت مدرسه گریزی کشیده شود. باید امکانات لازم و مورد نیاز در اختیار آنها قرار گیرد و فرهنگ و دیدگاه جامعه نسبت به این افراد عوض شود و مردم نباید با نگاههای ترحم آمیز خود باعث ایجاد یأس و ناامیدی و عدم اعتماد به نفس در آنان شود.

## 2-1-1-2 علل روانی یا اختلالات رفتاری دانش آموزان (مدرسه‌گریزی، بیش‌فعالی و کمبود توجه، رفتار لجبازی و نافرمانی، اضطراب و...)

کشمکش درون روانی کودک: مدرسه‌هراسی و دیگر اختلالاتی که برای اولین بار در طی کودکی بروز می‌کند، می‌توانند از عوامل تسریع‌کننده یا زمینه‌ساز مدرسه‌گریزی باشند. مثلاً بیش‌فعالی می‌تواند شکست تحصیلی و گریزاز مدرسه را به خاطر پاسخ ندادن به توقعات مدرسه، در پی داشته باشد.

### مدرسه‌گریزی

مدرسه‌گریزها بیشتر دانش‌آموزانی تنومند و ماجراجو به نظر می‌رسند و خواهان تغییر مداوم هستند آنها فاقد علائق استوارند و در خردسالی از روابط گرم و صمیمی بی‌بهره بوده‌اند، خانواده آنها اغلب از هم پاشیده و این دانش‌آموزان غالباً دستخوش فقر مادی و عاطفی هستند. امکان دارد نشانه‌ای در نظر اول روان‌نژادانه به نظر برسد ولی غالباً آشکار می‌شود که ناشی از فقدان تربیت اولیه و عدم توفیق در ایجاد عادات صحیح بوده است. خطرهایی که در این‌گونه مدرسه‌گریزی وجود دارند همان اشکال مختلف رفتار ضداجتماعی هستند که این رفتارها تقریباً به طور اجتناب‌ناپذیری در زندگی روزمره کودک و نوجوان منعکس می‌شود. ملایمترین صورت این عارضه، دروغ‌گویی به والدین و معلم است و این هنگامی است که آنها به غیبت او پی می‌برند. مسؤل رفاه آموزشی می‌تواند به عنوان یک رابط میان خانواده و مؤسسات خدمات اجتماعی عمل کند. تهیدستی را می‌توان با تهیه غذا و لباس از سوی اداره آموزش و پرورش تا حدودی کاهش داد، ممکن است مدرسه‌گریزی نقایص جسمی مشخص شود و کودک یا نوجوان به بخش خدمات پزشکی مدرسه فرستاده شود، مسائل مربوط به تراکم جمعیت را می‌توان به اداره مسکن ارجاع داد، کودک برآشفته و ناراحت را به درمانگاه راهنمایی کودک هدایت کرد و... (سلطانی فر، 1370)

### بیش‌فعالی و کمبود توجه : ADHD

**تعریف بیش‌فعالی:** به حالتی دلالت می‌کند که در آن کودک به نحوی مفرط و بیش از اندازه فعال و پر جنب و جوش است. تحرک زیاد این کودکان نه تنها خود آنها را بلکه اطرافیان، همکلاسیها، اولیای مدرسه را دچار مشکل می‌کند. از آن جایی که در میان درصد بالایی از معتادین و افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند علایم بیش‌فعالی در کودکی قابل مشاهده است. همچنین بیش‌فعالی اصطلاحی است برای بیان خصوصیات رفتاری که به صورت عمده عبارتند از خستگی‌ناپذیری، پرتحرک بودن، هیجان‌پذیری، بی‌قراری، پریشانی و ... (گرزه بر، 1388)

بیش‌فعالی و کمبود توجه Attention-deficit hyperactivity disorder

### • علت بیش‌فعالی چیست؟

علل ایجاد این اختلال هنوز به طور قطعی ناشناخته است، عوامل متعددی از قبیل وراثت و ژنتیک، مشکلات و

مسائل در هنگام تولد، عوامل عصب شناختی، حساسیت غذایی و متغیرهای محیطی مطرح شده است اما هیچ یک تأیید و یا رد نشده اند. اختلالات شیمیایی و فیزیولوژیک مغز و محرومیت عاطفی کودک از طرف والدین از دیگر علل بوجود آمدن این بیماری است. محققان بیان می کنند که نواحی خاصی از مغز در این کودکان در حدود 5-10 درصد کوچکتر و کم فعالتر از حد نرمال است. سایر عوامل خطر برای ایجاد این اختلال شامل تولد پیش از موعد، نوزاد با وزن بسیار کم و آسیبهای مغزی حین تولد هستند. ممکن است تماشای بیش از حد تلویزیون در سنین کم موجب کم توجهی کودک شود. به گفته‌ی پزشکان کودکان زیر دو سال نباید تلویزیون نگاه کنند و یا به بازیهای ویدئویی و کامپیوتری بپردازند. (همان)

### درمان بیش فعالی

والدین باید این بیماری را به عنوان یک نقص خفیف در مراحل اولیه رشد مغز دانسته و به کودک خود به دید کودکی تنبل، نافرمان، شرور و فضول که اگر بخواهد می تواند رفتاری طبیعی داشته باشد نگاه نکنند، بلکه او را کودکی بدانند که تلاش می کند با ناتوانی خود که خارج از کنترلش است، کنار بیاید. والدین باید راههای دیگری برای تشویق، تقویت اعتماد به نفس و ایجاد احساس موفقیت در کودکشان بیابند. فعالیت ورزشی، هنری، فنی، اجتماعی می تواند فرصت هایی برای نمایان کردن توانائی های این کودکان ایجاد نماید. این فعالیتها بالطبع تشویق بیشتری به دنبال داشته و می تواند آثار منفی حاصل از تجربه های بد قبلی ( شکست ها، طرد شدگیها، تنبیه ها و ... ) را بکاهد و جایگزین آن گردد. البته والدین نباید تصور کنند که کودکانشان به دلیل این ناراحتی مسئول اعمال نامطلوب و خلاف خود نیستند، بلکه کودک می باید اینگونه رفتارها را جبران کند. برای اینکه کودکان قوانین را بیاموزند و از آن پیروی نمایند لازم است قوانین را برای آنها واضح تر، در فواصل کمتر و دفعات بیشتر بیان کنیم و سیستم تشویق و تنبیه قوی تری را با آن همراه نماییم.

برخورد مناسب با کودکان بیش فعال به زمان، کوشش، مداومت و همکاری و هماهنگی زیادی نیاز دارد و به همین دلیل مربیان و والدین باید همواره روحیه ای با نشاط، شاداب، طنزپرداز و شوخ طبع را در خود حفظ نمایند. در درمان این کودکان روشهای رفتار درمانی به همراه رژیم غذایی خاص و داروهای که پزشک برای درمان این اختلال تجویز می کند بهترین نتایج را در کنترل علائم دارد. والدین چنین کودکانی باید با مراجعه به روانپزشک و یا روانشناس با شکیبایی و ثبات قدم در این مسیر به فرزندشان کمک کنند. (دادخواهی پور، 1389)

### رفتار لجبازی و نافرمانی

کودکان لجباز رفتارهای منفی و نابهنجار از آنها زیاد دیده می شود، از قوانین روزمره سرپیچی می کنند، زود قهـر می کنند و قشـرق به راه می اندازند، با بزرگترها بیش از حد بحث و جدل می کنند، دیگران را در امور مقصر می دانند و از آزار و اذیت و ناسزاگویی به آنان دریغ ندارند، عصبانی و زود رنج اند، رفتارهای خشونت آمیز دارند، کینه توز و انتقام گیرنده اند.

محققان هنوز به نتیجه روشن و واضحی درباره دلایل اختلال لجبازی دست نیافته اند، اما برخی معتقدند که دلایل این اختلال، عصبی و زیستی است. این کودکان بسیار تحریک پذیرند و در دوران طفولیت، نوپایی و قبل از مدرسه اخلاق تندی دارند. با بروز این رفتارها از سوی کودکان، والدین آنها نیز شروع به بدرفتاری و خشونت می کنند و این امر نتیجه ای جز پیشرفت علائم این اختلال در کودکان نخواهد داشت. (شکری، 1376)

### والدین چگونه باید با رفتار لجبازی و نافرمانی فرزند خود رفتار نمایند؟

بیشتر والدین اطلاعات و توانایی لازم را برای دست و پنجه نرم کردن با این مشکلات رفتاری کودک یا نوجوان خود را ندارند. آنها اغلب در برخوردهای انضباطی شان، والدینی خشن، ناهماهنگ و ناتوان هستند. در حالیکه والدین این بچه ها باید بیش از سایر والدین به تلاش و چاره جویی برای حل مشکل رفتاری فرزند خود بپردازند، آنها می توانند خود الگوی رفتاری مناسبی برای فرزندانشان باشند و با صبر و شکیبایی با این مشکل کودکشان برخورد نمایند و با عکس العمل های تند و خشن رفتار لجبازی کودک یا نوجوان خود را تشدید ننمایند بلکه از طریق تشویق و نادیده گرفتن رفتارهای نادرست و تقویت رفتار های مناسب کودک به تدریج به تغییر رفتار لجبازی و نافرمانی فرزندشان کمک نمایند. (صدفی، 1372)

### اختلال سلوک

کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک مدام به حقوق دیگران و قوانین و هنجارهای اجتماعی تجاوز می کنند. این رفتارها در خانه، مدرسه یا در جامعه از آنها سر می زند. طیف مشکلات رفتاری این دانش آموزان از رفتارهای آشکار ستیزه جویانه تا رفتارهای ناآشکار ناستیزجویانه را در بر می گیرد. رفتارهای آشکارستیزه جویانه شامل ناسزاگویی به دیگران، سرقت مسلحانه، پرخاشگری، خشونت جنسی خواهد بود و یا به طور کلی هر رفتاری که بر دیگران تأثیرگذار است. رفتارهای ناآشکار ناستیزه جویانه نیز سرقت غیرمسلحانه، مدرسه گریزی، و استفاده از مواد مخدر است که این دسته از رفتارها برخلاف اصول و قوانین اجتماعی هستند.

تحقیقات نشان می دهد که 82 تا 95 درصد دانش آموزان مبتلا به اختلال سلوک قبلاً اختلال لجبازی داشته اند و 60 درصد آنها نیز قبلاً علائم واضح بیش فعالی را از خود نشان داده اند. به طور مسلم دانش آموزان مبتلا به اختلال سلوک در معرض خطر مشکلات روحی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی در بزرگسالی خواهند بود.

محققان عقیده دارند که بیشتر کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری در خانواده های سرکوب گر بزرگ شده اند. فرآیند این خانواده ها بدین صورت است که والدین و بچه ها برای کنترل یکدیگر از رفتارهای منفی استفاده می کنند و در واقع والدین توانایی لازم برای هدایت فرزندانشان را ندارند. در چنین خانواده ای، والدین هیچ پروایی از فرمان دادن، فریاد زدن، سرزنش و تنبیه کردن بچه ها ندارند. بچه ها هم به همین ترتیب عمل می کنند تا بتوانند والدینشان را کنترل کنند. به طور معمول هر دو طرف تسلیم یکدیگر می شوند و این باعث تقویت رفتار در هر دو طرف می شود. (صبور، 1387)

## درمان اختلال سلوک

برای درمان اختلال سلوک کودکان و نوجوانان والدین باید اولاً علت رفتار کودک خود را بشناسند و در صدد رفع عاملی که باعث این اختلال رفتاری شده است اقدام نمایند دوماً والدین خود الگوی مناسب رفتاری برای کودکشان باشند و به جای رفتار همانند با رفتار کودک، رفتاری مخالف با رفتار اختلال سلوک کودک خود داشته باشند و به جای فریاد زدن، سرزنش و تنبیه و تحقیر کردن کودکانشان با نرمی و ملایمت با آنها رفتار شود تا خود به عنوان الگوی اختلال سلوک برای فرزندان نشان نباشند و با چشم پوشی از رفتارهای تند کودک خود و تقویت رفتارهای مثبت در کودک به تدریج به تغییر رفتارهای اختلال سلوک فرزندان کمک نمایند. (شکری، 1376)

## اضطراب

اضطراب به میزان کم غالباً اثرات سازنده ای دارد و محرکی برای خلاقیت، حل مسائل و فعالیت مؤثر است ولی اگر اضطراب شدت یابد سبب از کار افتادگی فرد شده، او را بیقرار و ناراحت می کند و او را به فردی ناسازگار تبدیل می کند. اضطراب هنگامی بیماری محسوب می شود که دلشوره و دلواپسی ناشی از آن هیچ گونه منطقی نداشته باشد و با شرایط زمان و مکان تناسب نداشته باشد و نتیجه آن سازندگی و انطباق با محیط نبوده و حاصلی جز رنج و فرسایش نداشته باشد. بیشتر اضطرابها دو بعد مجزا دارند، یک نشانه های جسمی و دیگری علائم روانی می باشد. (نبوی، 1357)

## عوامل اضطراب

1. فردی: انتظار بیش از حد از خود/ضعف اعتماد به نفس/عدم باور مثبت نسبت به موفقیت / رقابت بیش از حد/عدم آمادگی و برنامه ریزی لازم / عدم تمرکز بر امتحان و درس خواندن / شخصیت مضطرب و کمال گرا/کم بودن انگیزه / هوش متوسط و پایین / ...
2. خانوادگی: سخت گیری بیش از اندازه /عدم حمایت و تشویق /والدین مضطرب/اختلافات خانوادگی /رقابت غیر منطقی/تهدیدهای بی مورد/توجه بیش از حد به مسایل تحصیلی فرزند/ الگوهای خشک فرزندپروری/سرزنش و تنبیه / وضعیت اقتصادی پایین / ...
3. عوامل مدرسه ای: انتظارات غیر واقعی معلمان / محیط نامناسب امتحان / مقررات خشک / نوع پرسش های امتحان / ایجاد رقابتهای ناسالم / عدم توجیه دانش آموزان برای امتحان / عوامل مزاحم مثل سر و صدا و نور / تهویه ی نامناسب.(همان)

## درمان اضطراب



قدم نخست مطمئن ساختن فرد از عواقب این مسئله است. باید یک فرد مضطرب را اندک اندک از موقعیت اضطراب آورش دور کنیم و به او اطمینان بدهیم که نگرانی بیش از اندازه واقعاً لازم نیست.

در مورد اضطراب امتحان دانش آموزان، معلمان و والدین نباید برای کسب نمره بیشتر آنها را تحت فشار قرار دهند و هدف معلمان از ارزشیابی دانش آموزان باید شناخت توانمندیها و استعدادها و استعدادهای آنها باشد و کمک به آنها در جهت تقویت توانمندیها و استعدادها و همچنین کمک در جهت رفع نقاط ضعف و ناتوانیهای آنها باشد و دانش آموزان را به رقابتهای ناسالم تشویق نکنند و با این کار اضطراب و دلشوره را در دانش آموزان به وجود نیاورند بلکه دانش آموزان را بر اساس آهنگ توانایی های خودش مورد ارزشیابی قرار دهند و از طریق ارزشیابی مستمر همه فعالیت‌های او را مورد بررسی قرار دهند و دانش آموزان فقط از لحاظ تحصیلی و به صورت یک بعدی مورد ارزشیابی قرار نگیرد زیرا این روش ارزشیابی نه تنها هیچ کمکی به او نخواهد کرد بلکه اضطراب او را افزایش خواهد داد.

معلمان باید مانند والدین کودک یا حتی مهربان‌تر از آنان باشند. دانش‌آموزی که متعلق به خانواده‌ای از هم گسیخته است، به یک تکیه‌گاه و پشتوانه مطمئن نیاز دارد. این چنین کودکی ممکن است به علت احساس فقدان امنیت به آسانی به کسی اطمینان نکند و ناراحتی خود را بروز ندهد. به این ترتیب به فردی افسرده و منزوی تبدیل می‌شود یا با پرخاشگری و آزار و اذیت اطرافیان بر احساس درونی خویش غلبه می‌کند. در چنین مواردی فقط یک مربی مهربان، دلسوز و فداکار می‌تواند با جلب اطمینان دانش آموز به خود، مشکل او را جویا شده و این موجود بی‌پناه را از سرگردانی، دلهره و اضطراب نجات دهد. محیط مدرسه باید به گونه‌ای باشد که دانش آموز در آن احساس امنیت کند و با میل و رغبت به آنجا قدم گذارد. باید توجه داشت در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان یک محیط آموزشی با مجموعه‌ای از قوانین خشک انضباطی و تربیتی نمی‌تواند در برانگیختن انگیزه دانش آموزان به سوی علم و دانش مؤثر واقع شود. (شکری، 1376)

**2-1-1-3 علل عاطفی ناسازگاری رفتاری دانش آموزان:** (افسردگی، پرخاشگری، بی تفاوتی و بی ثباتی و...)

دانش آموزی که نتواند به تناسب سن خود رفتار مورد انتظار جامعه (رفتار عادی) را از خود ظاهر سازد، مثلاً در مقابل تذکرات عادی معلم یا والدین به گریه بیفتد یا در رویارویی با حوادث عادی دچار اضطراب و نگرانی بیش از حد شود، در مقابل شوخی های دوستانه هم کلاسیها دچار خشم شدید و نگرانی گردد و خلاصه رفتاری انجام دهد که با رفتارهای عادی مغایرت داشته باشد، دارای مشکلات عاطفی می باشد. عدم امنیت عاطفی به هر دلیل ممکن، می تواند بر روند آموزشی او تأثیر منفی بگذارد. علت تأثیر منفی چنین روحیه ای عدم سازگاری دانش آموز با محیط کلاس، جامعه و هم کلاسی هاست. چنین فردی هم از طریق هم کلاسیها منزوی می شود و هم به دلیل تلقی ناخوشایند از هرگونه رفتار معلم و والدین، مستمراً دچار بحران روحی است و بنابراین از محیطی

که در آن این گونه بحرانها برایش ایجاد می کند بیزار و گریزان می شود و رفتار ناسازگارانه از خود نشان می دهد.

## افسردگی

افسردگی پدیده ای است که در آن عوامل روانی، اجتماعی و بیولوژیکی با هم تداخل پیدا می کنند، بخصوص اگر این آسیب پذیری به صورت خانوادگی یا وراثتی باشد. در خانواده هایی که والدین این استعداد ژنتیک را داشته باشند، فرزندان نیز در معرض این بیماری هستند. البته تئوری های مختلفی در مورد افسردگی وجود دارد. بخصوص در بچه ها و نوجوانان، فقدان تقویت کننده های محیطی یکی از عوامل مهم افسردگی آنها است. اگر عواملی که به نوجوانان پاداش می دهند، کم باشند مثلاً وقتی کودکان و نوجوانان از کمبود محبت رنج ببرند، اگر احساس کنند که فعالیت‌هایشان به جایی نمی رسد و نمی توانند برای آینده پیش بینی کنند «کز» می کنند، در خود فرو می روند و به تدریج دچار افسردگی می شوند (داوکینز، ریچارد 1999)

## درمان افسردگی

زمانی که تعامل پدر یا مادر افسرده با فرزندشان، تعامل سالمی نیست. مادر افسرده نمی تواند به رفتارها و کارهای مثبت کودک پاسخ مناسب بدهد و نمی تواند او را تشویق کند. از این رو درمان افسردگی والدین بسیار مهم است.

در حال حاضر درمان های مؤثری برای این بیماری وجود دارد، داروهای زیادی وجود دارد که مصرف آنها از شدت افسردگی می کاهد. استفاده از این داروها سبب شده است که آمار خودکشی در جامعه به شدت کاهش پیدا کند و این در حالی است که مهمترین علت خودکشی، افسردگی است. (آهنچیان، 1382)

## نا کامی - پر خاشگری

جان والر و همکارانش فرضیه پر خاشگری در پاسخ به ناکامی را ارائه نمودند که در آن پر خاشگری همیشه در پی ناکامی خواهد بود. (والر دوب-مورد سیرز-1939) از جمله عوامل پر خاشگری عبارتند از: سر خوردگی، محرومیت، تنبیه، تهدید، تمسخر، تحقیر. اگر دانش آموزی مورد تهدید، تحقیر و تمسخر قرار گیرد برای دفاع از شخصیت خود که با این عوامل مورد تهدید قرار گرفته است با استفاده از مکانیزم رفتار پر خاشگرانه به دفاع از خود می پردازد یا اگر او در موقعیتی قرار گیرد که احساس سر خوردگی و محرومیت عاطفی، اجتماعی نماید و احساس ارزشمندی او مورد تهدید قرار گیرد، ممکن است دست به رفتارهای پر خاشگرانه بزند. و با این شیوه می خواهد به جبران تهدیدهایی که شخصیت او را مورد حمله قرار داده است، می پردازد. گروهی از صاحب نظران علوم رفتاری نظیر فروید 1 و لورنز 2 معتقدند که پر خاشگری یک رفتاری است که ریشه در ذات و فطرت انسان دارد. این دو معتقدند که پر خاشگری به عنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است که

به تدریج در شخص متراکم و فشرده می شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می کند. به نظر لورنز اگر چنین انرژی به شکل مطلوب و صحیح مثلاً از طرق ورزش ها و بازیها تخلیه شود جنبه سازندگی خواهد داشت. در غیر اینصورت به گونه ای تخلیه می شود که مخرب خواهد بود و ممکن است اعمالی از قبیل قتل، ضرب و شتم، تخریب و نظایر آن را در برداشته باشد. (جان والر و همکارانش، 1939)

### پرخاشگری، عارضه تنبیه بدنی

پرخاشگری یکی از عوارض تنبیه است. در کلاسهایی که معلم تنبیه بدنی می کند و یا در خانوادههایی که پدر و مادر تنبیه کننده هستند، پرخاشگری و جنگ و دعوا در میان دانش آموزان و فرزندان خانواده یک الگوی رفتاری رایج و شایع است. کودک یا نوجوانی که سیلی می خورد، به هنگامی که در موضع نفوذ و اعمال قدرت باشد، به دیگران سیلی خواهد زد. تنبیه بیشتر به دانش آموز می فهماند که کارش اشتباه بوده است ولی در آموزش رفتار مطلوب به وی کارایی چندانی ندارد. به عبارت دیگر، تنبیه بدنی سبب نابودی رفتار تنبیه شده و جانشین رفتار مطلوب به جای آن نمی شود بلکه در غالب اوقات تنها اثر آن این است که رفتار نامطلوب را به طور موقت واپس می زند. در افکار عمومی معلمان و درقواعد حرفه معلمی تنبیه بدنی، نه تنها هیچگاه نشانه اقتدار معلم محسوب نشده بلکه از ضعف علمی و کلاس داری یک معلم حکایت می کند. (همان)

### چگونه با دانش آموزان پرخاشگر رفتار شود؟

به نظر می رسد مشکلات رفتاری قبل از اینکه مشکل باشند، مشکلات را به نمایش می گذارند. بنابراین ما از مشکلات دانش آموزان به این نکته پی می بریم که مسائلی به وجود آورنده آن مشکلات است. بعد از شناسایی مسائل، به این نکته توجه می کنیم که آن مسائل چه مشکلاتی را ایجاد می کند. سپس در صدد حل آن مشکلات برمی آییم. وقتی دانش آموز احساس اضطراب و ناراحتی می کند به معلمان توصیه می شود که با او رفتاری همدلانه داشته باشند و سعی کنند منبع ناراحتی او را بیابند. توصیه می شود که در این زمان از داوری و انتقاد دانش آموز خودداری و به جای آن از عبارات حمایتگرانه استفاده کنند. اگر دانش آموز صدای اعتراض را بلند می کند و پرخاشگرانه حرف می زند، نشانه آن است که خویشتن داری خود را از دست داده و در این زمان جداکردن دانش آموز از دیگران و وضع محدودیتهای مشخص و معین و طرف صحبت نشدن با او و همچنین خودداری از مجادله و منازعه توصیه می شود. (صدفی، 1372)

## 2-1-2 ب- ناسازگاری سببی (محیط خانوادگی، اجتماعی و آموزشی دانش آموزان)

دانش آموزانی که در این رده قرار می‌گیرند، به دلیل ویژگیهای خاص خود که می‌توانند ناشی از موقعیتهای اجتماعی، خانوادگی و آموزشی باشند، لازم است که تحت نظر مربیان باشند. بدون اینکه کلاسهای ویژه‌ای برای آنها ترتیب داده شود. "موریس دبس" با در نظر گرفتن این نوع ناسازگاری به عنوان (درد تحصیلی) آنرا به صورت زیر تعریف می‌کند. در این ناسازگاری کودک یا نوجوان به دلیل برخورد با مشکلاتی مانند: نابسامانی های خانواده گی و نامساعد بودن محیط اجتماعی و همچنین ناکارآمد بودن نظام آموزشی، خود را در موقعیت دشواری پیدا می‌کند. این حالت به صورت یک رفتار انزوا طلبی یا رفتار اعتراضی بروز کرده و اکثراً با کاهش و نامنظم بودن بازده تحصیلی توأم می‌باشد که در نتیجه انگیزه و هدفی برای ادامه تحصیل ندارند و از محیط مدرسه دلسرد و نا امید می‌شوند. ( دبس، 1967)

## 2-1-2-1 الف) محیط خانوادگی

سطح فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خانواده کودکان و نوجوانان تأثیر زیادی بر رفتار و عملکرد دانش آموز خواهد داشت. بی‌سوادی و عدم آگاهی ناشی از آن، پرجمعیت بودن خانواده، اعتیاد، بی‌ثباتی عاطفی در خانواده، طلاق... همه از جمله عوامل برهم زننده عبور طبیعی دانش آموز از خانه به مدرسه و از عوامل ناهنجاریهای رفتاری در آنان می‌باشد. پایین بودن وضعیت اقتصادی خانواده و فقر ناشی از آن نیز به صورتی حادث می‌تواند رفتارهای ناسازگارانه را در دانش آموز افزایش دهد و روند تحصیلی او را با مشکل مواجه سازد و در نهایت زمینه را برای مدرسه‌گریزی فراهم می‌آورد. نیاز به درآمد ناشی از کار در سنین پایین و خستگی ناشی از آن در محیط مدرسه، مدرسه‌گریزی و نهایتاً ترک تحصیل دانش آموز را به بار می‌آورد. محیط خانوادگی که مبدل به کانون تشنج و درگیری والدین گردیده، بچه‌ها شدیداً احساس عدم امنیت کرده، سعی در گریز از محیط خانواده خواهند داشت. این امر تأثیرات مخربی بر روی کودکان و نوجوانان می‌گذارد و ممکن است او را دچار آشفتگیهای روانی اضطراب، افسردگی و یا پرخاشگری نماید و انگیزه ای برای ادامه تحصیل نداشته باشد و او را از درس و مدرسه نیز گریزان نماید. چه بسا با یک نگرش یک بعدی از سوی اولیاء مدرسه، در زمره دانش آموز "تنبل" بی‌استعداد" قرار خواهد گرفت. در این موارد نگرش درمانی باید بر پایه جستجوی علل ناسازگاری دانش آموزان باشد به عنوان مثال، بی‌دقتی، همچون برخی حالات مشکل ساز دانش آموز، پدیده‌ای بدون دلیل نیست. موقعیت دانش آموز در بطن خانواده نیز در روند مطلوب یا دشوار جریان تحصیلی او از اهمیت خاصی برخوردار است. کودک یتیم، فرزندخوانده، تک فرزند، وجود نامادری یا ناپدیری، ترتیب و فاصله تولد بچه‌ها در یک خانواده... همه در نقشی که دانش آموز در محیط مدرسه ایفا خواهد کرد و بر نوع شکل گیری رفتارهای او تأثیر خواهند داشت. (همان)

برخی از رفتارهای والدین که سبب مسأله‌دار شدن در زمینه تحصیلی دانش آموزان می‌شوند عبارتند از: